**انترناسیونال ۶۱۸**

**دلواپسان و دلباختگان!**

**توافق هسته ای و ژورنالیسم ایرانی**

*مصطفی صابر*

اینروزها واژه "دلواپسان" سکه رایج سیاست ایران شده است. لااقل در رسانه هایی مثل بی بی سی فارسی اوضاع چنین است. مراد از این اصطلاح نیز اشاره به مخالفان "توافق هسته ای" اخیر بین جمهوری اسلامی و کشورهای پنج بعلاوه یک است. بی بی سی حتی در اخبار و گزارشات رسمی اش با آب و تاب از عبارت "دلواپسان داخلی و خارجی" نیز استفاده میکند. یعنی فرض کنید کیهان شریعتمداری، سناتورهای جمهوریخواه آمریکا، نتنیاهو، شیوخ عربستان و غیره، همه در یک کیسه بنام دلواپسان ریخته میشوند!

این را دیگر با سطحی گری معمول ژورنالیسم نمیتوان توضیح داد. نازلتر و غریب تر است. محصولی تماما ایرانی است. آخرین دستپخت تبلیغی ایدئولوژیک جنبش ملی اسلامی ایران است. جنبشی که با جمهوری اسلامی بر سر کار آمد و بخش هایی از آن در دعواهای درونی از قدرت رانده یا مغضوب واقع شدند، ولی کماکان میکوشند با "اصلاح" و "تعدیل" رژیم، تناقضات آنرا به نفع بقایش حل کنند. بطور مشخصتر، کاربرد واژه دلواپسان در واقع پیکان حمله سیاسی طرفداران روحانی و رفسنجانی و خاتمی در مقابله با جناح دیگر حکومت برای گرفتن سهم بیشتر از قدرت و نجات جمهوری اسلامی است. صورت ظاهر این تبلیغات چنین است: دلواپسان توافق هسته ای مملکت را به باد میدهند و تنها راه نجات این است که کار به دست دلباختگان این توافق سپرده شود. بدین ترتیب این جنگ بین خیر و شر که حول دلواپسان و دلباختگان توافق هسته ای راه افتاده است، نسخه مبتذلتری از تقابل بین "انحصار طلبان" و "اصلاح طلبان" دوره دوم خرداد است. دنیای واقعی البته بطور غریبی از این متافیزیک آخوندی فاصله دارد.

مفهوم دلواپسان حتی به معنای اصیل و ماقبل بی بی سی آن نیز ساختگی بود. دلواپسان نامی بود که بخشی هایی از طرفداران خامنه ای بر خود نهادند. همه دنیا میدانست که ولی و ارباب اینها خود شخصا در راس مذاکرات هسته ای است و این دلواپسان قرار است نقش لباس شخصی ها و اوباش آقا را در چانه زنی های سیاسی و بخصوص برای مهار اوضاع داخلی ایفاء کنند؛ که مبادا در جریان توافق توازن قوای درونی رژیم بهم بخورد و مردم پای شان را لای شکافهای بالا بگذارند. در واقع خامنه ای به شیوه مالوف خود ظرفیت های "دو بال نظام" را در جریان عقب نشینی از سیاست های قبلی خود در زمینه هسته ای به کار گرفت. روحانی و ظریف را از"یک بال" به پای میز مذاکره فرستاد تا "نرمش قهرمانانه" کنند، همزمان اوباش خود را از "بال دیگر" فرمان داد تا همچنان نعره "دلواپسی" سر دهند و قمه چرخ دهند تا مبادا کسی در نرمش کذایی علامت ضعف و بی ثباتی نظام را ببیند.

چنانکه می بینید دلواپسان حتی در هیات اصیل و معنی دار خود از تقلبی ترین فاکتورها در جریان مذاکرات هسته ای بودند. جریانی که قائم به ذات نیست و افسارشان در دست خامنه ای است که خود مهندسی توافق را بر عهده داشته و دارد. در واقع این بخصوص بی بی سی و رسانه های همانندش بودند که از دلواپسان غولی ساختند و آنرا حتی بطور مسخره ای به مفهومی عام و حتی جهانی تبدیل کردند. اما چرا؟

مطلوبیت بلافصلش برای بی بی سی و سایر بلندگوهای اصلاح طلبان احتمالا این بوده که بزرگ کردن دلواپسان به قطب رقیب در دعواهای درونی جمهوری اسلامی، یعنی به روحانی و رفسنجانی، اعتبار میدهد. خصوصا که این دلواپسان منفور ترین بخش های حکومت اسلامی اند. ما در ماههای گذشته بارها و از زبان مفسران گوناگون در رسانه هایی نظیر بی بی سی صراحتا و تلویحا چیزهایی با این مضمون شنیده ایم که: اگر دلواپسان بگذارند روحانی کارش را بکند ایران و منطقه و حتی جهان گلستان میشود!

اما سوای این مطلوبیت بلافصل، نوعی از شم طبقاتی در این ماجرا نقش ایفاء میکند. باکمی دقت می بینیم که این جلوه دادن دلباختگان توافق هسته ای بعنوان ناجی جامعه، مکمل همان "نرمش قهرمانانه" از یکسو و سیاست نیم کلاچ در بکارگیری دلواپسان از سوی دیگر توسط خامنه ای است. پشت هردو این سیاست ها یک نگرانی واحد وجود دارد. اینکه مبادا در جریان عقب نشینی جمهوری اسلامی طی توافقات هسته ای مردم از فرصت استفاده کنند و به میدان بیایند و امر خودشان را پیش ببرند. اگر خامنه ای چماق دلواپسان را همچنان بالای سر جامعه نگهداشته است اصلاح طلبان و امثال بی بی سی میکوشد تا دائره دخالت مردم را به حمایت از بخشی از جمهوری اسلامی محدود کنند. درواقع این معرکه دلواپسان و دلباختگان توافق هسته ای که شاهد هستیم، دو وجه سیاست واحد طبقاتی بورژوازی در حفظ جمهوری اسلامی و نظام موجودش از خطر تعرض مردم به جان آمده است.

باید اعتراف کرد که فروختن دو قطبی مضحک دلواپسان و دلباختگان و چنین تعبیر سطحی و تقلیل یافته ای از توافق هسته ای به مردم ایران کار آسانی نیست. مردمی که تجربه سیاسی غنی دارند، بالا و پایین این رژیم را میشناسند و اوضاع منطقه را دنبال میکنند. هرکس میتواند ببیند که جمهوری اسلامی و همینطور کل منطقه خاورمیانه مدتی است وارد چرخه ای از تغییرات جدی و تعیین کننده شده است. مذاکرات هسته ای و "نرمش قهرمانانه" از سوی رژیمی که قبلا نعره "انرژی هسته ای حق مسلم ماست" سر میداد، تنها حلقه ای از تحولات عمیق تر و جدی تر است. اگر بخواهیم نقطه شروعی برای این تحولات تعیین کنیم انقلاب مردم ایران در سال ۸۸ است که در کنار "مرگ بر دیکتاتور" و "آزادی زندانیان سیاسی" و غیره، یکی دیگر از شعارهایش "انرژی هسته ای نمیخایم، نمیخایم" بود. آیا بی بی سی و ژورنالیسم مربوطه اش این ها را فراموش کرده است؟ خیر. آیا فکر کرده اند مردم فراموش کرده اند؟ بازهم خیر. آنها بخوبی همه اینها را میدانند و دقیقا چون میدانند کارشان همین است که دارند انجام میدهند. کار ژورنالیسم بخصوص از نوع بی بی سی توجیه سیاست ها و منافع معین به اسم خبر رسانی و دادن تحلیل های مسخره مثل موضوع مورد بحث این نوشته است. بی بی سی و مفسرین اش میدانند که این تقابل دلواپسان و دلباختگان آبکی و ساختگی است. خود آنها هم میدانند که چنین چیزهایی دوام ندارد و بزودی باید کنار بگذارند. اما وقتی به آنجا رسیدیم ابدا به روی مبارک هم نمی آورند که امروز چه گفته اند. به کار خبرسازی و خبرگویی شان ادامه میدهند و برای کار غیر اخلاقی و ضد بشری که امروز میکنند هیچ مسئولیتی بعهده نخواهند گرفت. در یک کلمه، ابتذال حرف اول را در ژورنالیسم امثال بی بی سی فارسی میزند. لذا مردم هم حق دارند قضاوت خودشان را داشته باشند و امثال روزنامه کیهان "دلواپس" و بی بی سی "دلباخته" را بعنوان موانع راه خود برای رهایی از شر جمهوری اسلامی محسوب کنند.

22 جولای 2015